

گۆرانکارییه‌کانی بواری خۆیندنی ژنانی کوردستان له سهردهمی په‌هله‌وی یه‌که‌مه‌دا
به‌جه‌ختکردنه‌وه‌ی له‌سه‌ر قوتابخانه‌ نوێیه‌کانی کچان

شهین رعنايي

گروه تاريخ، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه شهيد بهشتی تهران، تهران، ایران

shahinranaie@gmail.com

پوخته:

له‌ کۆتاییه‌کانی ده‌سه‌لاتی پاشایه‌تی ناسردین شادا، قوتابخانه‌گه‌لی نوێ له‌ ئێراندا دامه‌زران و هێدی هێدی له‌ ناوچه‌ جوړاوجۆرمه‌کانی وڵاتدا په‌رمیان سه‌ند. هاوکات له‌ته‌ك دروستبوونی ئهم قوتابخانه‌دا زهمینه‌ی به‌شداری کچان له‌ بواری فێرکردندا رهمسا. ئهم پرۆسه‌یه‌ له‌ ناوچه‌ جوړاوجۆرمه‌کانی وڵاتدا زۆر جیاواز و جیا بوو. له‌ کوردستاندا به‌ هۆی زالبوونی بونیادی خێل له‌ کۆمه‌لگه‌دا، ئاستی نزمی رێژه‌ی شارنشین و کاریگه‌ری که‌می گۆرانکارییه‌کانی سهردهمی مه‌شروته‌، به‌شداری کچان له‌ قوتابخانه‌کان و کایه‌ی په‌رموده‌ و فێرکردندا لاواز بوو. به‌هاتنه‌سه‌رکاری سهردهمی پاشایه‌تی په‌هله‌وی کۆمه‌لێک هه‌نگاوی گه‌رنه‌ک به‌ ئاراسته‌ی گه‌شه‌ و په‌رمێدانی فێرکردنی ژنانی کوردستان گیرانه‌به‌ر. کێشه‌ی ئهم توێژینه‌وه‌یه‌ ئه‌وه‌یه‌ که‌ ئه‌و گۆرانکارییه‌کانی که‌ له‌ بواری فێرکردنی ژنانی کوردستاندا له‌ سهردهمی ره‌زا شادا سه‌ریان هه‌لدا کامانه‌ بوون و ئه‌و پێوه‌ره‌ کۆمه‌لایه‌تی، کۆلتوری و سیاسیه‌یه‌ که‌ کاریگه‌ری له‌سه‌ر ئهم گۆرانکارییه‌ هه‌بوو چی بوو؟ به‌ گۆیه‌ی ئه‌نجامه‌کانی توێژینه‌وه‌، یه‌که‌م قوتابخانه‌ی نوێ کچانه‌ له‌ کوردستاندا له‌ سالانی سه‌رمته‌ی حکومه‌تی ره‌زا شادا دامه‌زرا و ژماره‌ی فێرخوازان له‌م جوړه‌ قوتابخانه‌دا به‌ تاییه‌ت له‌ قوتایه‌ی سه‌رمته‌ییدا گه‌شه‌ی به‌رچاوی به‌خۆوه‌ بینی. به‌لام به‌ هۆی نه‌بوونی که‌رمسته‌ فێرکارییه‌ پێویسته‌کان و دۆخ و زهمینه‌ کۆمه‌لایه‌تی و کۆلتورییه‌کانی ناوچه‌که‌ په‌ر سه‌ندن سێسته‌می فێرکردنی نوێ به‌ به‌ر او‌رد به‌ ناوچه‌کانی دیکه‌ی وڵات زۆر خا‌و بوو.

کلیله‌ و شه‌کان: سهردهمی په‌هله‌وی یه‌که‌م، کوردستان، قوتابخانه‌کان، کچان، فێرکردن.

چکیده

در اواخر دوره‌ی سلطنت ناصرالدین‌شاه، مدارس نوین در ایران تأسیس شدند و به‌ تدریج در نواحی مختلف کشور گسترش پیدا کردند. همزمان با ایجاد این مدارس زمینه‌ی حضور دختران در عرصه‌ی آموزشی فراهم گشت. این روند در نقاط مختلف کشور بسیار متفاوت و متمایز از یکدیگر بود. در کردستان به‌ دلیل تسلط ساختار عشیره‌ای بر جامعه‌، پایین بودن میزان شهرنشینی و تأثیرپذیری اندک از تحولات دوره‌ی مشروطه‌ حضور دختران در مدارس و حوزه‌ی آموزشی که‌رنه‌ک بود. با روی کار آمدن سلطنت پهلوی اقدامات مهمی در زمینه‌ی رشد و توسعه‌ی آموزش زنان صورت گرفت. مسئله‌ تحقیق حاضر این است که‌ چه‌ دگرگونی‌هایی در عرصه‌ی آموزش زنان کردستان در دوره‌ی رضاشاه به‌ وجود آمد و کدام ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر این تحولات تأثیر گذاشتند؟ براساس یافته‌های تحقیق، نخستین مدرسه‌ نوین دخترانه‌ در کردستان در سال‌های آغازین حکومت رضاشاه تأسیس شد و تعداد تحصیلکرده‌گان این نوع مدارس به‌ویژه در مقطع ابتدایی رشد چشمگیری پیدا کرد. اما، به‌ علت فقدان امکانات آموزشی لازم و شرایط و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه‌ گسترش نظام آموزشی جدید در مقایسه‌ با دیگر نواحی کشور بسیار کند بود.

واژگان کلیدی: دوره‌ پهلوی اول، کردستان، مدارس، دختران، آموزش.

Abstract:

The modern schools of Iran were built and gradually developed overall the country in the last age of Nasser al-Din Shah Qajar. They provided conditions for girls to present in the education sector. This process was considerably different in the various parts of Iran. In Kurdistan, the vast majority number of girls could not be present in schools, because of the tribal structure dominance on the society, limited urbanization and slight influences of constitution period on this region. When Reza

Shah Pahlavi assumed power proceeded important steps to grow and develop women's educational level. The problem of this research is that what changes were created in the women's educational sector of Kurdistan in Reza Shah's reign and which social cultural, and political criteria influenced on these evolutions? According to the outcomes of this essay, the first modern girl school of Kurdistan was built just during the first years of Reza Shah's government. The number of students who educated at elementary schools steadily grew significantly. But, the extension of the modern educational system was too slow compared with other parts of the country, because of the lack of educational facilities and social and cultural conditions of this region.

Keywords: The Pahlavi 1 Era, Kurdistan, Schools, Girls, Education.

مقدمه

تشکیل حکومت پهلوی آغازگر دوران نوینی در تاریخ معاصر ایران است که دگرگونی‌های عمیقی را در ارکان مختلف جامعه ایجاد کرد. رضاشاه با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و ایده‌های روشنفکران حزب تجدد برنامه‌های نوسازی خود را به مرحله اجرا درآورد. دو محور اصلی این برنامه‌ها ملت‌سازی و دولت‌سازی بودند. از دیدگاه این دسته از روشنفکران یگانه راه گام برداشتن ایران در مسیر ترقی و توسعه ایجاد یک حکومت قدرتمند متمرکز بود. ابزارهای تحقق این منظور نیز تشکیل یک ارتش مدرن، تأسیس دستگاه بوروکراسی دولتی و گسترش ناسیونالیسم ایرانی در سرتاسر کشور بودند. دستیابی به این اهداف به توسعه آموزشی و گسترش مدارس در اقصی نقاط کشور نیازمند بود. لذا، اقدامات مختلفی در این راستا صورت پذیرفت. روند روبه‌افزایش تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان و گسترش نهادهای آموزشی نشان‌گر دگرگونی‌هایی است که در این عرصه رخ دادند.

یکی از مناطقی که به‌لحاظ اهمیت استراتژیک آن موردتوجه حکومت قرار داشت، کردستان بود. این منطقه به علت وضعیت جغرافیایی کوهستانی، چیرگی بافت اجتماعی عشایری و روستایی و فقدان موقعیت تجاری مناسب کمتر تحت تأثیر تحولات دوره مشروطیت قرار گرفته بود. لذا، ایجاد و گسترش مدارس نوین و آموزش به سبک جدید که نمودی از تجلیات این عصر بود در آن رونق چندانی نگرفت. به تبع آن، هیچ‌گونه کوشش جدی نیز جهت توسعه مدارس دختران صورت نپذیرفت. پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی به این پرسش است که پس از تشکیل حکومت پهلوی اول تأسیس مدارس در کردستان تحت تأثیر چه ملاحظات قرار داشت و چه دگرگونی‌هایی در حوزه آموزش زنان در این دوره به وجود آمد و چه عواملی بر گسترش مدارس دختران تأثیر گذاشتند؟ در این مقاله، منظور از کردستان، شهرستان سنندج و روستاهای حوزه آن و شهرستان سقز است. در این دوره، بانه، مریوان، قروه، روانسر، پاوه و جوانرود قصبه بودند و براساس تقسیمات اداری-سیاسی در حوزه شهرستان سنندج قرار داشتند.

شکل‌گیری مدارس نوین در دروهی قاجار

پیش از تأسیس مدارس نوین، مدارس توسط میسیونرها و مبلغان مذهبی اروپایی و آمریکایی در چند شهر ایران ایجاد شدند. در این مدارس، علاوه بر پسران، دختران اقلیت‌های دینی نیز به تحصیل می‌پرداختند. در برخی از موارد همانند مدرسه آمریکایی تهران که در سال 1254 ش./ 1875 م. شکل گرفت، با مداخله بنجامین، وزیر مختار آمریکا، دختران مسلمان نیز قادر به حضور در این مدرسه شدند. (انصافیور، 1346: 433) صرف‌نظر از این مدارس و دارالفنون، آموزش در سطح کشور توسط مکتب‌خانه‌ها و به شیوه سنتی صورت می‌پذیرفت.

نخستین مدرسه نوین ایران توسط میرزا حسن رشیدیه و در اواخر دوره ناصرالدین‌شاه تأسیس شد. این اقدام آغازگر دوره‌ای از کشمکش بین مکتب‌خانه‌های قدیمی و شیوه آموزشی جدید بود. (قاسمی‌پویا، 1377: 191-194) این تقابل، در نهایت، با پیروزی مدارس نوین پایان یافت که عوامل مختلفی در آن دخیل بودند. حضور مظفرالدین‌شاه، ولیعهد، امین‌الدوله و امیرنظام در تبریز و حمایت آنها از رشیدیه نقش مهمی در پیشبرد کار او ایفا کرد. پس از آن‌که امین‌الدوله به صدارت رسید، رشیدیه توسط او به پایتخت فراخوانده شد و نخستین مدرسه رشیدیه در تهران نیز در سال 1276 ش./ 1315 ق. م. گشایش یافت. (همان: 194-195) مهم‌ترین شاخصه‌ای که مدارس نوین را از مکتب‌خانه‌های قدیمی متمایز می‌کرد ایجاد یک نظام‌نامه جهت اداره کلیه امور مدرسه بود. رشیدیه با انجام این اقدام تعلیم و تربیت را به‌صورت دستگاهی منظم با آیین‌نامه‌ها و تکالیف و مسئولیت‌های کارکنان آن درآورد. (همان: 195-196)

با وجود تحولاتی که در این عرصه به وقوع پیوست، توسعه مدارس جدید در اواخر دوره قاجار بسیار محدود بود و مکاتب و مدارس قدیمی شکل غالب داشتند. (خلیلی، 1373: 158) در کنار گسترش مدارس نوین، تأسیس و توسعه مدارس دختران نیز به تدریج مورد توجه قرار گرفت. روشنفکران تحت تأثیر اندیشه‌های غربی وضعیت زنان را مورد توجه قرار داده و آموزش زنان و تأسیس مدارس را کانون اصلی مطالبات خود جهت تغییر اوضاع آنها قرار دادند. آنها معتقد بودند نابرابری زنان و مردان در دستیابی به فرصت‌های آموزشی عامل اصلی شرایط نامساعد زنان است. لذا، خواستار گسترش مدارس دختران شدند. (میرهادی، 1393: 58-62) جنبش‌های پیش از مشروطه تأثیر مهمی در بیداری زنان داشت و نهضت بیداری زنان نیز در تأسیس مدارس دخترانه تبلور یافت. تا پیش از انقلاب مشروطه آموزش دختران ایرانی محدود به مدارس آمریکایی بود. اما، پس از پیروزی مشروطیت زمینه برای آزادی‌های مدنی و اجتماعی زنان فراهم شد و مدارس دخترانه متعددی در تهران و شهرهای دیگر ایجاد شدند. (انصافیور، 1346: 431، 433-434) انجمن‌های زنان نیز نقش بسیار چشمگیری در توجه به مسئله آموزش و فعالیت‌های اجتماعی این قشر داشت. (میرهادی، 1393: 85) نخستین مدرسه دخترانه که توسط زنان ایجاد گشت مدرسه ناموس بود که به دست طوبی آزموده در سال 1286 ش. / 1907 م. بنیان نهاده شد. (سانساریان، 1384: 69) از سال 1289 ش. / 1328 ق. / 1910 م. مدارس در اصفهان، رشت، قزوین، کرمانشاه و انزلی تأسیس شدند. (کرباسی‌زاده، 1384: 62-63)

حکومت مشروطه آموزش و تحصیل عمومی را در دستور کار قرار داد و این تکلیف را به وزارت علوم و معارف واگذار کرد. روشنفکران آموزش و تأسیس مدارس را در متمم قانون اساسی گنجانند. برپایه اصل هجدهم، تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد اعلام شد. اصل نوزدهم قانون نیز تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری را مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر کرد و تمامی مدارس و مکاتب تحت ریاست عالی و مراقبت این وزارتخانه قرار گرفتند. (متمم قانون اساسی مشروطه)

نخستین برنامه تعلیماتی مدارس ابتدایی و سه‌ساله متوسطه در سال 1288 ش. / 1909 م. توسط این وزارتخانه به تصویب رسید. در سال 1289 ش. / 1910 م. وزارت علوم و معارف جای خود را به وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه داد و امور مربوط به مدارس به این نهاد واگذار شد. (طاهر احمدی، 1377: 31) نوین‌باد بودن و ضعف نهادهای مرتبط موجب فقدان شکل‌گیری یک سیستم یکپارچه آموزشی شد. (خلیلی، 1373: 158) پس از جنگ جهانی اول، آموزش هم‌چنان به عنوان یکی از مطالبات مهم زنان مطرح بود. مدارس دختران کمتر از پسران مورد حمایت‌های مالی دولت قرار داشت و این پشتیبانی‌های اشخاص بود که موجب تداوم فعالیت مدارس دختران می‌شد (Childress, 2011: 32).

از سال 1297 ش. / 1918 م. به بعد پیشرفت‌های مهمی در حوزه آموزشی رخ داد. مدرسه دارالمعلمین و دارالمعلمیات تأسیس شدند که زمینه‌های تربیت معلم به شیوه علمی را فراهم نمود. به تدریج بر تعداد مدارس ابتدایی افزوده شد و بودجه وزارت معارف رشد پیدا کرد. (طاهر احمدی، 1377: 32) نخستین مدرسه دولتی دخترانه در سال 1297 ش. در تهران تأسیس شد (سانساریان، 1384: 68).

سیاست‌های رضاشاه در حوزه آموزش

سیاست‌های رضاشاه در عرصه آموزشی تحت تأثیر پروژه‌ی دولت‌سازی او قرار داشت. رشد و توسعه مدارس دولتی در نتیجه نیازهای فزاینده دولت و جامعه بود. ایجاد یک نظام بوروکراتیک نوین و متمرکز، تشکیل یک ارتش مدرن و گسترش اندیشه‌های ملی‌گرایانه به آموزش نیروی انسانی و افزایش سطح سواد ساکنان نواحی مختلف کشور وابسته بود. در واقع، توسعه نظام آموزشی توسط رضاشاه پاسخ به نیازهای یک دولت مدرن بود (کعبی، بی‌تا: 135). به گفته متی، واژه‌های تجدد، تمرکز و ناسیونالیسم در هر خطمشی آموزشی رضاشاه قابل‌ردیابی هستند (متی، 1387: 186).

در این دوره اقدامات مهمی جهت توسعه مدارس و نوسازی حوزه آموزشی صورت گرفت. قوانین مختلف و متعددی نیز در راستای دستیابی به این هدف به تصویب رسیدند. در واقع، نظام آموزشی نوین ایران طی سالهای 1304 تا 1309 ش. / 1925-1930 م. بنیان نهاده شد. در مجلس پنجم شورای ملی بودجه معارف افزایش پیدا کرد و طرح اجباری شدن تعلیم و دارالمعلمین به تصویب رسید (خلیلی، 1373: 114). طراحان نظام سیاسی نوین معتقد بودند که بدون وجود شالوده مستحکمی در آموزش ابتدایی هیچ بنیان آموزشی دیگری قوام نخواهد گرفت (متی، 1387: 188). لذا، نخستین برنامه مدون شاه جهت نوسازی حوزه آموزش و اصلاح برنامه‌های تعلیماتی مدارس "دستور تعلیمات شش‌ساله" ابتدایی در سال 1306 بود. طبق آن، برنامه‌های درسی مقطع ابتدایی و سرفصل‌های آن مشخص گردید (طاهر احمدی، 1377: 32). دولت با هدف یکپارچه کردن سیستم آموزشی و ایجاد

انسجام در این عرصه، طبق قانون مصوب 1306 اداره مدارس میسیون‌ها و اقلیت‌ها را تحت کنترل درآورد. در نتیجه، مدارس آمریکایی و انگلیسی تعطیل شدند، اما مدارس فرانسوی و آلمانی بر جای ماندند (خلیلی‌خو، 1373: 159).

افزایش تعداد مدارس و دانش‌آموزان به معلمان آموزش‌دیده نیاز داشت، بنابراین در سال 1307 ش. / 1928 م. قانونی مبنی بر اعزام صد نفر از فارغ‌التحصیلان دوره‌ی متوسطه به‌طور سالیانه به خارج از کشور به تصویب رسید. هدف از این قانون تأمین نیروی انسانی آموزش‌دیده برای مدارس متوسطه و دانشسراها بود. (خلیلی‌خو، 1373: 161). مجلس در سال 1309 ش. / 1930 م. به‌منظور یکسان‌سازی نظام آموزشی، مدارس ملی را در صورت داشتن شرایط موردنظر وزارت معارف به رسمیت می‌شناخت که این مسئله موجب محدود شدن فعالیتهای این نوع از مدارس گردید (سادات بیدگلی، 1388: 134).

در سال 1312 ش. / 1933 م.، قانون تعلیم و تربیت به تصویب رسید. در این دوره از تعداد مکاتب قدیمی کاسته شد و روحانیون از عرصه‌ی آموزشی حذف شدند. به‌طوری‌که، افرادی که خواستار ادامه فعالیت در این حوزه بودند باید قوانین و ضوابط وزارت معارف را می‌پذیرفتند (خلیلی‌خو، 1373: 159). دولت برای اجرای برنامه‌های خود در این بخش به‌طور میانگین سالانه 75 درصد بر بودجه معارف افزود و از کل بودجه وزارتخانه‌ها بین 4 تا 6 درصد به بودجه این حوزه اختصاص پیدا کرد (خلیلی‌خو، 1373: 161). در برنامه‌های درسی مدارس هماهنگی و یکپارچگی وجود نداشت که در سال 1317 ش. / 1938 م. هیأت دولت قانونی با هدف ایجاد یکنواختی در مواد درسی مدارس به تصویب رساند (سادات بیدگلی، 1388: 138). در نهایت، نظام آموزش و پرورش تحت نظارت کامل دولت درآمد و نظام آموزشی فرانسه به عنوان الگوی مطلوب این ساختار به کار گرفته شد. دانش‌آموزان طی 12 سال آموزش می‌دیدند که به دو دوره‌ی شش‌ساله ابتدایی و دبیرستان تقسیم می‌شد (پورمحمدی املشی و دیگران، 1394: 107).

رویکرد و اقدامات رضاشاه در حوزه آموزش زنان تابع برنامه‌های او جهت نوسازی و غربی کردن ایران بود. حزب تجدد که طراح اصلی سیاست‌های شاه بود فراهم نمودن و توسعه تسهیلات آموزش و پرورش برای همگان را در زمره اساسی‌ترین برنامه‌ها و اهداف خود قرار داده بود. (علم و پوربختیاری، 1394: 101) با تأسیس احزاب و گروه‌های سیاسی و انتشار روزنامه‌ها که خواستار تغییر وضعیت زنان بودند، مسئله این قشر نیز مورد توجه قرار گرفت. (راشدی، 1379: 40) در دهه 1310، به دنبال توجه محافل عمومی و خصوصی به آزادی زنان موضوع آموزش آنها نیز به یک مسئله محوری تبدیل شد. در سال 1309، یک انجمن زنانه به مدیریت ایران تیمورتاش، همسر وزیر دربار، یک مدرسه شبانه‌روزی را برای دختران تهیدست تأسیس کرد. افتتاح قرائت‌خانه و ایجاد کلاس‌های شبانه برای زنان از دیگر اقدامات این انجمن بود (متی، 1387: 193-194). کنفرانس بین‌المللی زنان در سال 1311 ش. / 1932 م. در ایران برگزار شد که در آن بر موضوع حقوق زنان از جمله برابری آموزشی تأکید شد. شاه پرداختن زنان به مشاغل مختلف غیر از آموزش را برای این قشر محدود کرد و معتقد بود که آموزش تنها نقش درخوری است که زنان باید به آن اشتغال یابند (Childress, 2011; 38).

طرح مربوط به سوادآموزی زنان در سال 1308 ش. / 1929 م. تهیه و تدوین گشت که از اهمیت آموزش زنان و توسعه‌ی آن در این دوره حکایت دارد (عسگری، بی‌تا: 1). برخی از نخبگان، حکومت را تحت فشار قرار دادند تا زنان نیز در طرح اعزام دانشجو به خارج از کشور گنجانده شوند. دولت با هدف بالا بردن سطح سواد معلمان و تقویت پایه‌های علمی دانش‌آموزان ابتدایی لایحه‌ای را در سال 1313 ارائه کرد. طبق آن، طی 5 سال تعداد 25 مدرسه عالی تربیت معلم دبستان برای پسران و یک مدرسه برای دختران تأسیس می‌شد (متی، 1387: 191، 193). روند فزاینده ایجاد مدارس دولتی دخترانه و تعداد تحصیل‌کردگان دختر را می‌توان به‌وضوح در آمارهای دولتی مشاهده کرد. در سال 1302 ش. / 1923 م. تعداد مدارس دخترانه دولتی در سراسر کشور 14 یا 15 باب بود که این رقم در سال 1320 ش. / 1941 م. به 2000 واحد رسید. (عسگری، بی‌تا: 1-3) شمار دانش‌آموزان ابتدایی نیز در این سال به 81977 نفر رسید (سنگتراشان و دیگران، 1398: 119) و تعداد 5816 نفر از دختران در سال 1320-1321 ش. / 1941-1942. در دبیرستان‌ها ثبت نام کردند (متی، 1387: 211).

بودجه اختصاص‌یافته به آموزش و پرورش نیز رشد چشمگیری داشت و از 8 میلیون ریال در سال 1304 ش. / 1925 م. به 84 میلیون ریال در سال 1318 ش. / 1939 م. رسید (متی، 1387: 211).

وضعیت آموزشی کردستان پیش از شکل‌گیری و توسعه مدارس نوین:

مکتب‌خانه‌ها اغلب در مسجدها، سر گذرها، خانه مکتب‌داران، دکان‌ها و غیره دایر بود. تأسیس آنها تابع هیچ‌گونه محدودیت، یا قانون و مقررات ویژه‌ای نبود. هر کسی با هر میزان سواد و دانش می‌توانست مکتبی ایجاد کند. ورود به آنها نیز نیاز به شرایط خاصی نداشت و هرکس در هر سطحی می‌توانست وارد مکتب‌خانه شود (قاسمی‌پویا، 1377: 49).

در کردستان، مساجد و منازل شخصیت‌های برجسته از جمله مکان‌هایی بودند که در آنها به آموزش کودکان پرداخته می‌شد. در مساجد هر محله، اتاقی به منظور تدریس به اطفال در نظر گرفته شده و پیش‌نماز مسجد بچه‌های محل را گرد آورده و به تدریس می‌پرداخت. او با نام "ماموستا" خطاب می‌شد و یکی از شاگردان بالیافت خود با عنوان "خلیفه" را با هدف اداره مکتب در زمان غیبت خود معرفی می‌نمود. شاگردان پس از یادگیری حروف و خواندن کلمات، به فراگیری قرآن می‌پرداختند. در کنار آموزش قرآن، رساله "روله بزانه" که در خصوص موضوعات اعتقادی بود تدریس می‌شد و شاگردان باید آن را از بر می‌کردند. سپس، گلستان و بوستان سعدی، نصاب صبیان، اعتقادنامه عبدالرحمن جامی، نان و حلوا شیخ بهائی و موش و گربه عبید زاکانی درس داده می‌شد. شاگردان این درس‌ها را که دروس مقدماتی به شمار می‌رفتند تا سن دوازده سالگی می‌آموختند. بیشتر ماموستاها در ازای فعالیت خود در مکتب دستمزدی دریافت نمی‌کردند. اما برخی از آنها مبلغ اندکی جهت تأمین مخارج زندگی خود می‌گرفتند. شاگردانی که از استعداد بیشتری برخوردار بودند و علاقه بیشتری برای تحصیل از خود نشان می‌دادند به دروس فقه، اصول، منطق، بلاغت، هیأت، تفسیر و حدیث روی می‌آوردند. (حیرت سجادی، 1380: 45)

برخی از مهم‌ترین مکاتب کردستان مکتب انصاری، اختری، ذیحی، مهاجر، شهابی و مفلح در سنندج، ملامحمد صادق، سیدحکیم، ملاعبدالله و ملامحمد در سقر، سیدحسین خانقاه، شیخ صالح درویشان، محمدکریم باینگان و ملارفعت در پاوه بودند. برخی از آنها تا سال 1312 ش. / 1933 م. یعنی اواسط حکومت رضاشاه به فعالیت خود ادامه دادند. برخی از مهم‌ترین مساجدی نیز که در آنها به تربیت اطفال می‌پرداختند مسجد عبدالله بیگ، دارالاحسان، دارالامان و پری‌نسا خانم در سنندج، مسجد جامع و حاج شیخ اسمعیل در سقر، مسجد حاج ملاعبدالسلام مشهور به ماموستا و سید در بانه، مسجد حضرت عبدالله، قبا و جامع در پاوه، مسجد دارالاحسان و خلفای راشدین در جوانرود، مسجد جامع و روستای دولت‌آباد در روانسر بودند. (همان: 46-47)

آموزش در مکتب‌خانه‌ها به پسران اختصاص داشت و دختران از حضور در این مکاتب محروم بودند. تنها اقشار متمول و ثروتمند بودند که برای آموزش دختران خود اقدام می‌کردند. آنها یکی از ملایانی را که به تقوا و دیانت او اعتماد داشتند به منازل خود دعوت کرده و دختران خود را جهت آموزش به او می‌سپردند. بنابراین، اکثریت قاطع دختران در کردستان بی‌سواد بودند. (همان: 48)

انقلاب مشروطه و گسترش مدارس نوین در کردستان:

نخستین مدارس نوین کردستان در شهر سنندج و توسط اقلیت‌های دینی و میسیونرهای مذهبی تأسیس شدند. آموزشگاه کلدانی اولین مدرسه‌ای بود که به شیوه نوین به آموزش پرداخت. این مدرسه در سال 1275 ش. / 1896 م. توسط کشیشی به نام ابوالواحد ایجاد شد. این دبستان در محله کلدانیان سنندج واقع شده بود و متعلق به این اقلیت دینی بود. دروس مختلفی همانند فارسی، حساب، تاریخ، جغرافیا، زبان فرانسه و کلدانی در آن تدریس می‌شدند. مدرسه دیگر توسط موسیو تره‌گانو از طرف آلیانس در سال 1279 ش. / 1900 م. بنا نهاده شد که به همین مناسبت عنوان آلیانس داشت. در این دبستان علاوه بر دروس معمول، زبان فرانسه و عبری نیز تدریس می‌شدند (سالنامه معارف کردستان، بی‌تا: 24-25).

جنبش مشروطیت با روی کار آمدن میرزا اسمعیل‌خان ثقه‌الملک به عنوان حاکم کردستان در سال 1286 ش. / 1325 ق. از طرف حکومت مشروطه به این منطقه گسترش یافت. او مأمور آشنا کردن مردم این منطقه با اندیشه‌های مشروطه‌خواهی بود. تحت تأثیر اقدامات او بسیاری از علما، اعیان و بازاریان به جنبش پیوستند (مردوخ کردستانی، بی‌تا: 238). در واقع، این جنبش یک جنبش شهری بود و در شهرهای سنندج، سقر و گروس ریشه دواند (زارعی مهرورز، 1390: 64). بی‌جهت نیست که یک سال پس از پیروزی مشروطیت مدارس جدیدی در این نواحی تأسیس شدند و گسترش پیدا کردند. مدرسه‌ای به نام معرفت در سال 1286 ش. / 1907 م. توسط حاجی فتح‌الملک اردلان و گروهی از فرهنگ‌دوستان این شهر بنا نهاده شد. این مدرسه در مقطع دبستان دانش‌آموز می‌پذیرفت و رستم‌خان معروف به ناظم مدیریت آن را بر عهده داشت. این مدرسه پس از گذشت یک سال منحل گشت. در دوره‌ای که سالار الدوله بر مناطق غربی ایران از جمله کردستان تسلط پیدا کرده بود، مدرسه‌ای توسط حاکم وقت این ناحیه به نام مدرسه سالاری در سال 1287 ش. / 1909 م. ایجاد شد. این مدرسه چندان نپایید و پس از 7 ماه منحل شد. مدرسه

معرفت 6 سال بعد از انحلال بار دیگر با عنوان دبستان احمدیه در سال 1293 ش./ 1914 م. احیا گشت. در این مدرسه تعداد 20 نفر از کودکان تهی‌دست نیز به‌صورت شبانه‌روزی نگهداری می‌شدند. در سال 1297 ش./ 1918 م. نیز دبستانی به نام اتحاد تأسیس شد. هزینه‌های آن از طریق کمک‌های مالی مردم و پرداخت ماهانه توسط دانش‌آموزان تأمین می‌شد. با وجود این، اداره این دبستان به سختی صورت می‌پذیرفت. لذا، بخشی از درآمد دخانیات به صورت ماهانه 2500 ریال به آن اختصاص داده شد و توانست آن را از وضعیت نامساعد مالی نجات دهد (سالنامه معارف کردستان، بی‌تا: 24-27).

در سقز نیز مدرسه‌ای به نام احمدیه در سال 1296 ش. 1917 م. توسط اهالی این شهر نیز تأسیس شد. مدیریت این دبستان در دست جلال‌الدین امیر عزیزی قرار داشت و دو سال پس از ایجاد آن منحل شد. دبیرستان شاهیور در سال 1300 ش./ 1921 م. از طرف اداره معارف و توسط عبدالباقی شکل گرفت (همان، ص 27-28).

علاوه بر مدارس که توسط اقلیت‌های دینی پیش از مشروطیت در سنجند تأسیس شده بود، پس از وقوع انقلاب مشروطه تا تشکیل سلطنت پهلوی تنها 7 مدرسه در شهرهای سنجند و سقز ایجاد گشت. از مشخصات بارز این مدارس این بود که با حمایت اشخاص به‌ویژه اعیان و اقشار متول جامعه و کمک‌های مالی مردم شکل گرفتند. در واقع، شیوه مدیریت آنها شخصی بود و دولت نقش چندانی در اداره آنها نداشت. تمرکز آنها بر آموزش دانش‌آموزان در مقطع دبستان قرار داشت که این موضوع ناشی از عمومیت بی‌سوادی در منطقه بود. غیر از مدارس که متعلق به اقلیت‌ها بود و دختران قادر به تحصیل در آنها بودند، تنها مدرسه دخترانه کردستان آموزشگاه مستوره بود.

آموزشگاه مستوره در سال 1302 ش./ 1923 م. توسط مریم اردلانی ایجاد شد. مدیریت این مدرسه در دست او قرار داشت (همان، 26).

حکومت پهلوی و پروژه مدرسه‌سازی در کردستان

پس از تأسیس سلطنت پهلوی در سال 1304 ش./ 1925 م.، اقدامات مهمی در راستای ایجاد مدارس نوین در کردستان صورت گرفت. شکل‌گیری مدارس و انتخاب محل تأسیس آنها تحت تأثیر ملاحظات مختلفی قرار داشت و دارای جهت‌گیری مشخصی بود.

1. پروژه ملت‌سازی:

یکی از مهم‌ترین ابزارهای حکومت پهلوی جهت پیش‌بردن پروژه ملت‌سازی تأسیس و توسعه مدارس بود. نظام آموزشی آن بر یکپارچگی تأکید داشت و دارای برنامه آموزشی و کتاب درسی یکسان و زبان فارسی واحد بود. در واقع، سیاست‌های آموزشی آن برپایه فارسی‌سازی اقلیت‌های زبانی قرار داشت (آبراهامیان، 1391: 158). حکومت تلاش می‌کرد که از طریق ایجاد وحدت زبانی در سراسر کشور، این نواحی را تحت تسلط درآورد. به همین منظور به ترویج زبان فارسی از طریق آموزش و پرورش روی آورد. این زبان به عنوان زبان انحصاری و یکپارچه در نظام آموزشی به کار گرفته شد و مدارس ملزم به استفاده از آن شدند (متی، 1387: 199). حاکم کردستان طی گزارشی به وزارت داخله اذعان می‌کند که با توجه به اینکه در کردستان زبان کردی زبان محاوره مردم است و فقط در ادارات دولتی و مدارس زبان فارسی به کار می‌رود، گسترش زبان فارسی امری ضروری است. لذا با هدف گسترش این زبان، باید در شهرها و روستاها مدارس جدیدی تأسیس شوند. معلمین آنها نیز باید از مرکز اعزام گردند. چنان‌که، در نتیجه این اقدامات استفاده از زبان کردی منسوخ شود (ساکما، ش 7763-290).

2. موقعیت استراتژیک برخی از نواحی کردستان:

یکی از عواملی مهمی که در گزینش محل تأسیس مدارس نقش داشت، موقعیت سیاسی استراتژیک روستاها و شهرهای منطقه بود. فرمانده لشکر کردستان بر این نکته تأکید می‌کند که مناطق مرزی به علت اهمیت سوق‌الجیشی خود نیاز به توجه ویژه وزارت معارف دارند و حقوق معلمان این نقاط باید به اندازه کافی منظور و پرداخت گردد. او بر تأسیس مدرسه در روستای پاوه که از نظر موقعیت مرزی دارای اهمیت ویژه‌ای بود پافشاری می‌کند. در برخی از روستاها که از لحاظ استراتژیکی مهم نبودند مدارس ایجاد شده بودند. لذا، لشکر کردستان خواستار انتقال آنها به نواحی مهم‌تر شد. مدرسه منطقه ژاورود در روستا طای تأسیس شده بود. این دبستان 4 کلاس بود و تعداد شاگردان آن بیش از 25 نفر نبود. اما، فرمانده لشکر کردستان درخواست نمود که این مدرسه به روستای بیساران که از نظر سیاسی دارای موقعیت مهم‌تری بود منتقل گردد. دبستان 4 کلاس روستای باشماق در دهستان هوباتو بیش از 10 نفر دانش‌آموز نداشت، او تقاضا کرد که این مدرسه به روستای فیض‌الله بیگی که حایز اهمیت بیشتری بود

انتقال یابد. (ساکما، ش 23089-297). وزارت داخله از وزارت معارف درخواست کرد که با وجود نبود بودجه، به تأسیس مدرسه در اورامان اقدام کند. به این ترتیب که از بودجه مدارس که در نواحی غیر ضروری ایجاد شده بودند کاسته و به ازای آن در این ناحیه که از هر نظر دارای اهمیت و ضرورت است مدرسه‌ای تأسیس کند (ساکما، ش 11644-297). این وزارتخانه نیز به اداره معارف کردستان دستور می‌دهد که اعتبارات اضافی سال 1307 ش. / 1928 م. را صرف این کار کند. در صورت ناکافی بودن آن، از محل اعتبارات مدارس دیواندره و دهگلان به نام این دو مدرسه معلمانی استخدام و به اورامان انتقال دهد (ساکما، ش 10588-297). با توجه به اینکه ایجاد مدارس یکی از راه‌های نفوذ حکومت در منطقه بود و کنترل دولت بر آن را افزایش می‌داد، فرمانده لشکر کردستان بر پایه ملاحظات سیاسی مورد نظر خود روستاهایی را که از اهمیت استراتژیک برخوردار بودند جهت ایجاد مدرسه انتخاب می‌کرد.

ریاست معارف کردستان مدعی بود که شهر سقر از لحاظ تجارت و میزان درآمد دولت از این منطقه و وضعیت جغرافیایی آن نسبت به شهر سنندج دارای اهمیت بیشتری است. بنابراین، او از وزارت معارف درخواست نمود که مقدار بودجه تخصیص یافته به حوزه معارف آن ماهیانه حداقل 50 تومان باشد. بر این اساس، وزارت معارف از بودجه منظور شده برای معارف کردستان که 7450 تومان بود مقدار 960 تومان برابر 13 درصد آن را به معارف سقر اختصاص داد. (ساکما، ش 28973-297).

3. توسعه مدارس در منطقه کردستان عراق:

یکی از عواملی که ضرورت توسعه مدارس در کردستان را دوچندان کرد تأسیس و گسترش مدارس نوین در منطقه کردستان عراق بود. توسعه معارف در سلیمانیه توسط شیخ محمود برزنجی و ایجاد چند مدرسه توسط او لزوم گسترش مدارس در سقر را مطرح نمود. حاکم کردستان این موضوع را بسیار ضروری تلقی نموده و از وزارت معارف تقاضا کرد که به خواست مردم سقر در این خصوص توجه نموده و مدارس را در آن به وجود آورد (ساکما، ش 28973-297).

در سال 1309 ش. / 1930 م. اقداماتی در زمینه ترقی و توسعه نواحی کردنشین عراق صورت گرفته و مدارس در آنها ایجاد شده بود. در مقابل، کردهای ایران از پیشرفت چندانی برخوردار نشده بودند، این مسئله موجب شد که آنها به دلیل وضعیتی که در آن قرار گرفته بودند دچار سرخوردگی شوند و نوعی حس رقابت با کردهای عراق در میان آنها رشد کرده بود. شدت سرخوردگی و حس رقابت در میان ساکنان مناطق مرزی شدت بیشتری داشت. مردمان این نقاط با مقایسه اوضاع خود با کردهای عراق از حکومت مرکزی دچار انزجار شده بودند. لذا، به منظور کاهش این گرایش‌ها و جلب نظر آنها به سمت حکومت توجه به ترقی و آبادانی کردستان حایز اهمیت بسیار بود. به گفته رئیس اداره معارف و اوقاف کردستان، ایجاد مدارس، خیابان‌ها و عمارت‌های جدید در نواحی مرزی مریوان، بانه و اورامان از جمله اقداماتی است که می‌تواند تأثیر چشمگیری در جلب توجه ساکنان این منطقه به حکومت داشته باشد. ایجاد مدارس در نقاط مهم کردستان و تأسیس مدرسه متوسطه در سنندج و فراهم کردن وسایل مورد نیاز آنها یکی از ابزارهای مهم حکومت در راستای نفوذ و کسب حمایت مردم این منطقه به شمار می‌رفت (ساکما، ش 26075-297).

عقب ماندن مناطق کردنشین ایران از کردستان عراق از نظر امکانات آموزشی همچنان یکی از مشکلات مهم حکومت به شمار می‌رفت. به طوری که، در سال 1312 ش. / 1933 م. رئیس تعلیمات ولایات به نام ایرانی بیان می‌کند که دولت عراق امکانات زیادی در اختیار معلمان و دانش‌آموزان گرد قرار داده است. در سلیمانیه تعداد 12 کلاس برای پسران ساخته شده بود. کلاس‌های دخترانه نیز 5 کلاس بود. به ترتیب تعداد 200 و 60 نفر دانش‌آموز پسر و دختر مشغول به تحصیل بودند. در حلبچه نیز تعداد کلاس‌های پسران 12 کلاس با 150 نفر دانش‌آموز و تعداد کلاس‌های دختران نیز نامعلوم بود. اما، تعداد شاگردان دختر بین 25 تا 30 نفر تخمین زده شده است. او توصیه می‌کند که در نقاط مرزی ایران تعداد 8 مدرسه با 10 هزار ریال بودجه ساخته شود. معلمان مدارس نیز باید از نواحی اصفهان، فارس و تهران با حقوق مناسب اعزام شوند. او پیشنهاد می‌دهد که باید به رئیس معارف کردستان مجوز تفتیش در عراق داده شود تا به درستی از وضعیت معارف این منطقه آگاهی پیدا کند (ساکما، ش 33388-297).

4. گسترش ایدئولوژی ناسیونالیسم ایرانی:

ایجاد حس ملی‌گرایی ایرانی یکی از علل مهم گسترش مدارس در کردستان بود. رئیس اداره معارف و اوقاف این منطقه طی گزارشی به وزارت معارف در خصوص وضعیت مدارس آن اظهار می‌کند که چنانچه مدیران مدارس و معلمان بتوانند حس ایرانیّت را در بین مردم تقویت کنند این تبلیغات باید بر اساس اصول مدون صورت گیرد. اداره معارف گروس نیز اذعان می‌کند

که تأسیس مدارس در این ناحیه با هدف گسترش احساسات وطن‌پرستانه است. به‌طوری‌که، با حضور معلمان قوانین حکومتی اجرا شده و مردم را به سمت افکار وطن‌پرستانه ترغیب خواهند کرد. (ساکما، ش 26075-297).

به اعتقاد ایرانی، رئیس تعلیمات ولایات، ترویج روح ایران‌پرستی در گرو گسترش مدارس و استخدام معلمان غیر از اهالی کردستان بود (ساکما، ش 33388-297). تیمورتاش، وزیر دربار رضاشاه، در گزارشی که به وزارت معارف ارسال کرد، می‌گوید که ارکان حرب خواستار توجه ویژه به گسترش معارف کردستان است. وزیر معارف نیز در پاسخ اظهار می‌کند که توسعه مدارس در این ناحیه در درجه اول اهمیت قرار داشته و اختصاص اعتبارات لازمه جهت آن بسیار مهم است. او به منظور اختصاص بودجه بیشتر برای تحقق این هدف خواستار کسب حمایت تیمورتاش است (ساکما، ش 23089-297). رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی به وزارت معارف توصیه اکید می‌کند که توسعه مدارس در کردستان و خوزستان تنها به علت گسترش معارف نیست، بلکه از نظر مصالح مملکتی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. این وزارتخانه نیز در پاسخ اظهار می‌کند که بنابر گزارشات فرمانده تیپ مستقل خوزستان اقدامات زیادی جهت توسعه معارف این مناطق صورت گرفته است. چنان‌که، در 6 ماه آخر سال 1313 ش. 1934 م. مبلغ 120 هزار ریال اعتبار اضافی اختصاص پیدا کرده است. (ساکما، ش 33977-297).

تأسیس مدارس دخترانه در کردستان:

چنان‌که گفته شد، پیش از تشکیل سلطنت پهلوی تنها یک مدرسه دخترانه به شیوه آموزشی نوین در کردستان وجود داشت که با حمایت شخصی مریم اردلانی در سال 1302 ایجاد شده بود و هیچ‌گونه مدرسه دخترانه دولتی در آن وجود نداشت.

نخستین مدرسه دخترانه دولتی کردستان با نام مستوره اردلان در سال 1305 ش. / 1926 م. در شهر سنندج بنابر درخواست مریم اردلانی دارای مدرک دیپلم از مدرسه آمریکایی تهران ایجاد شد (ساکما، ش 9654-297). این مدرسه بعدها با عنوان شاهدخت خوانده شد (ساکما، ش 91-895-297). این مدرسه دارای 2 تا 3 نفر معلم زن به ریاست مریم اردلانی بود و فقط فرزندان طبقات بالای جامعه قادر به تحصیل در آن بودند (ساکما، ش 20625-297). تعداد دانش‌آموزان این مدرسه شش‌کلاسه در دی‌ماه سال 1307 ش. / 1928 م. 102 نفر بود. اردلانی علاوه بر تدریس دروس معمول، به آموزش صنایع دستی همانند گل‌دوزی، توربافی، قالی‌بافی و برودری‌دوزی می‌پرداخت (ساکما، ش 23062-297).

در سال 1307 ش.، اقدامات مهمی جهت توسعه مدارس کردستان صورت گرفت، به‌طوری‌که تعداد 7 مدرسه در روستاهای حوزه سنندج ایجاد شدند (ساکما، ش 8112-297). سرهنگ محمودخان امین، رئیس تیپ کردستان، نقش بسیار مهمی در پیشرفت امر مدرسه‌سازی در این منطقه به‌ویژه نواحی عشایری ایفا کرد و به تأسیس مدارس در این نقاط اقدام نمود (ساکما، ش 33961-297). مجلس شورای ملی در تاریخ 14 خرداد 1306 ش. / 5 ژوئن 1927 م. قانونی را به تصویب رساند که طبق آن دولت اجازه می‌یافت که علاوه بر بودجه‌ی تعیین‌شده وزارت معارف، به تناسب میزان مالیات ایالات، ولایات و قصبات به توسعه‌ی مدارس ابتدایی اقدام نماید (رحیمی و دیگران، 1394: 33). در آخر این سال، از محل مالیات ارضی بودجه‌ای به ایجاد 140 مدرسه در سطح کشور اختصاص داده شد که سهم کردستان 3 مدرسه بود (بهشتی‌سرشت و جوانمردی، 1394: 40).

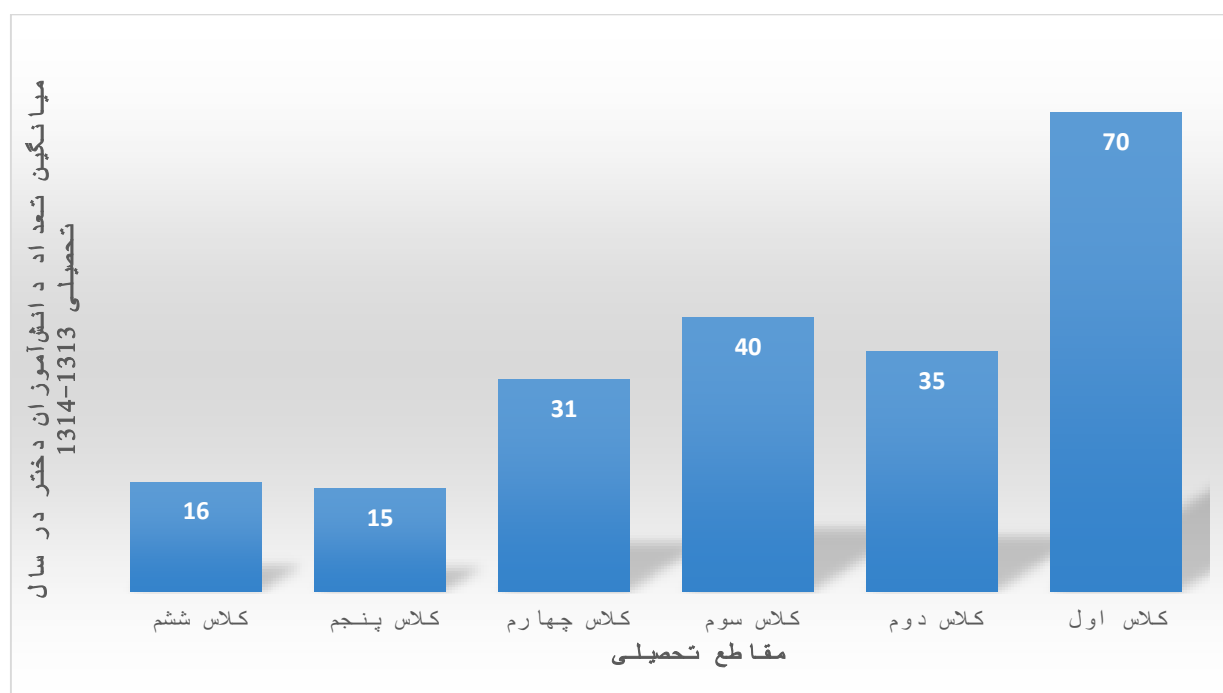
از میان مدارس تازه‌تأسیس هیچ‌یک از آنها به دختران اختصاص نداشت (ساکما، ش 8112-297). در مجموع در سال تحصیلی 1307-1308 ش. / 1928-1929 م. تعداد 18 مدرسه دولتی در این منطقه وجود داشت که تنها یک مدرسه متعلق به دختران بود و در آن تعداد 87 دانش‌آموز مشغول به تحصیل بودند. تعداد دانش‌آموزان پسر که در مدارس دولتی، خارجی و اقلیت‌های دینی تحصیل می‌کردند 887 نفر بود. تعداد مکاتب و مدارس قدیم نیز 57 واحد با 447 شاگرد بود. (ساکما، ش 10251-297) با توجه به داده‌های این سند، شیوه معمول آموزش در کردستان به همان شیوه سنتی و قدیم بود. چنان‌که، تعداد مکاتب و مدارس قدیم 57 واحد بود که بیش از دوبرابر مدارس نوین دولتی بود.

برخی از مدارسی که در نواحی روستایی تأسیس شدند عنوان مختلط داشتند که هم پسران و هم دختران می‌توانستند در آن به تحصیل بپردازند (ساکما، ش 91-297-888). اما، بر پایه آمارهای سال‌های مذکور، فقط پسران در آنها مشغول به تحصیل بودند (ساکما، ش 10251-297). در سال تحصیلی 1310-1309 ش. / 1930-1931 م. هیچ‌گونه تغییری در تعداد مدارس دخترانه به وجود نیامد و فقط مدرسه ابتدایی شاهدخت به آموزش 136 نفر شاگرد می‌پرداخت. معلمان آن همگی زن و تعداد آنها 7 نفر بود. در مدرسه آلیانس اسرائیلیت نیز 41 دانش‌آموز دختر تحصیل می‌کردند. با توجه به آمارها، به‌تدریج بر تعداد دانش‌آموزان دختر مدارس دولتی افزوده شده است. تعداد شاگردان پسر 1272 و تعداد دختران 177 نفر بود. لذا، تعداد شاگردان پسر تقریباً هفت‌برابر

دختران بود. در مجموع، در این سال تغییر مهمی در تعداد مدارس کردستان نسبت به سال 1307 ش. به وجود نیامده و فقط یک مدرسه دیگر تأسیس شده بود (ساکما، ش 11006-297).

در سال تحصیلی 1312-1313 ش./ 1933-1934 م. تعداد 21 مدرسه دولتی تأسیس شده بود که فقط یک باب از آن به دختران اختصاص داشت. تعداد شاگردان پسر و دختر این نوع از مدارس به ترتیب 1312 و 162 نفر بود. 3 مدرسه دیگر نیز متعلق به اقلیت‌های دینی بود که در آنها 317 دانش‌آموز پسر و 47 دختر به تحصیل می‌پرداختند. در مجموع، تعداد 1629 دانش‌آموز پسر و 209 دختر در این مدارس آموزش داده می‌شدند. برپایه این داده‌ها، تعداد پسران هشت‌برابر دختران بود (ساکما، ش 895-297-91).

در سال تحصیلی 1313-1314 ش./ 1934-1935 م. نخستین گروه از دختران مقطع متوسطه تحصیلات خود را در دبیرستان شاهدخت آغاز کردند. تعداد آنها 7 نفر بود. معلمان این دبیرستان 9 نفر بودند که دورس مختلف را به آنها آموزش می‌دادند. نکته قابل‌توجه این است که برخی از این معلمان فارغ‌التحصیل دوره ابتدایی و عده‌ای دیگر سیکل اول متوسطه بودند. این مسئله نشان‌دهنده سطح پایین سواد و آموزش در این منطقه است. شمار دانش‌آموزان دوره ابتدایی نیز اگرچه در فصول مختلف متغیر بود، اما به‌طور میانگین 206 نفر در کلاس‌های درس حضور پیدا می‌کردند (همان). با توجه داده‌های نمودار زیر، تعداد دانش‌آموزان کلاس اول بسیار بیشتر از مقاطع بالاتر است و فاصله معناداری بین شمار آنها در مقطع ششم و اول وجود دارد، بنابراین می‌توان استنباط کرد که تمایل مردم به فرستادن دختران خود به مدرسه به‌تدریج افزایش یافته است. همان‌گونه که در نمودار زیر آمده است تعداد شاگردان کلاس اول دوبرابر کلاس دوم و چهاربرابر کلاس ششم است (نمودار شماره 1)



نمودار شماره 1: میانگین تعداد دانش‌آموزان ابتدایی دختر در سال تحصیلی 1313-1314 در کردستان (نفر)

در سال 1313 ش./ 1935 م. یک مدرسه ابتدایی دخترانه دیگر با نام دوشیزگان تأسیس شد. در این دبستان، تعداد 40 نفر مشغول به تحصیل بودند. عذرا ارجمندی مدیریت این مدرسه را در دست داشت. به‌طور کلی، تعداد 253 نفر دانش‌آموز دختر در دوره ابتدایی و اول متوسطه تحصیل می‌کردند. (همان). دبستان آلیانس اسرائیلیت نیز در این سال به فردوسی تغییر نام داد (ساکما، ش 28591-297). مدارس اقلیت‌های دینی و خارجی در این دوره ملی اعلام شدند و مکتب‌خانه‌ها نیز در نظام دبیرستان‌های دولتی ادغام گشتند (آبراهامیان، 1391: 158). چنان‌که، از سال 1313 به بعد هیچ‌گونه داده‌ای درباره تعداد این نوع از مدارس در کردستان در آمارها دیده نمی‌شود.

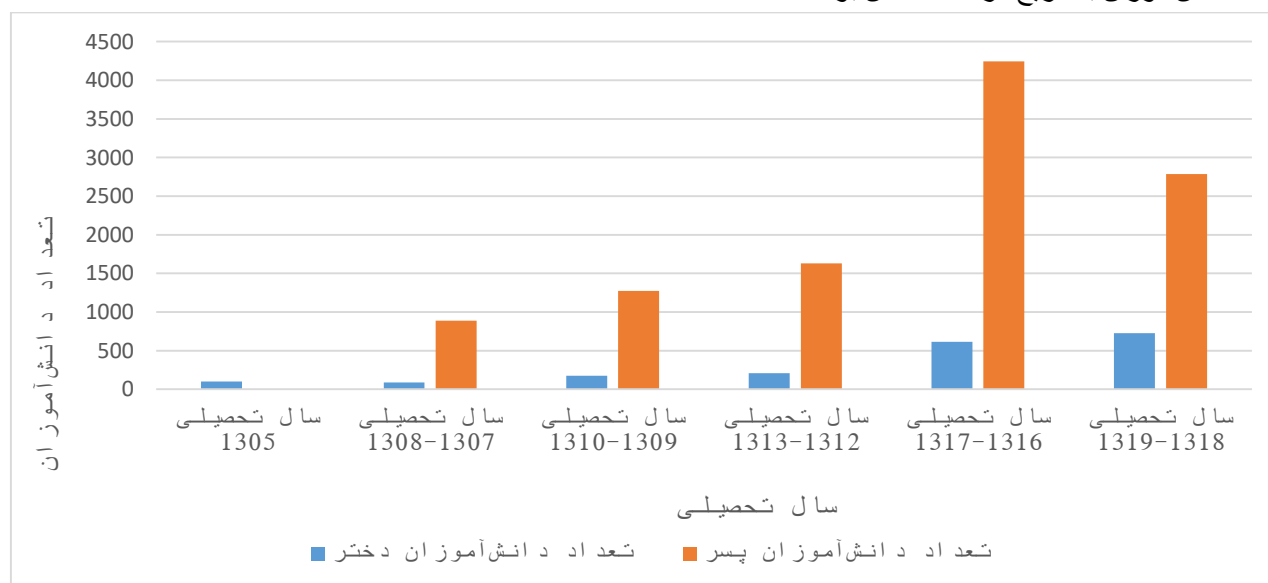
در سال 1315 ش./ 1936 م. نیز داده‌هایی درباره تحصیل دختران در روستاها گزارش شده است. در روستای دزلی 3 نفر در مقاطع اول تا سوم دبستان مشغول به تحصیل بودند (همان). در روستای دیواندره نیز تعداد 12 نفر دانش‌آموز دختر آموزش

داده می‌شدند (ساکما، ش 91-297-1348). اطلاع چندانی درباره شمار دخترانی که در روستاهای دیگر که دارای مدرسه بودند در دست نیست و نمی‌توان در این خصوص قضاوت درستی ارائه کرد. اما، می‌توان ادعا کرد که به‌تدریج روستاییان نیز به فرستادن دختران خود به مدرسه رغبت پیدا کرده‌اند.

سعید سمیعی، حکمران کردستان، نقش مهمی در توسعه آموزش زنان این منطقه ایفا کرد. وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه به دلیل اقداماتی که او در این راستا برداشت از او قدردانی نموده و خواستار تشدید تلاش‌های او جهت کاهش میزان اختلاف سطح سواد آموزش زنان کردستان با سایر نقاط کشور شد. «... از سرکار انتظار دارم که در پیشرفت برنامه معارفی و مخصوصاً مجاهدتهایی که در تربیت بانوان و اکابر از طرف مأمورین معارف می‌شود از هیچگونه مساعدت دریغ و مضایق ننمایید بلکه بپیم توجّهات سرکار در آن خطه هم مثل سایر نقاط کشور ترقیات محسوس بروز کند.» (ساکما، ش 297-24080). داده‌های این سند از فاصله چشمگیر بین سطح سواد و آموزش زنان کردستان با سایر نقاط کشور حکایت دارد.

در تعداد مدارس سال تحصیلی 1316-1317 ش. / 1937-1938 م. نسبت به سال‌های گذشته تحول مهمی دیده می‌شود. شمار مدارس در این سال 38 باب بود، علاوه بر آن 25 واحد آموزشگاه وجود داشت که حوزه فعالیت آنها مشخص نبود. تعداد 6 آموزشگاه اکابر نیز به آموزش اکابر (بزرگسالان) اختصاص داشت (ساکما، ش 91-888-297). تعداد مدارس که به دختران اختصاص داشت فقط دبستان و دبیرستان شاهدخت بودند. مابقی دانش‌آموزان دختر در نواحی شهری و روستایی در مدارس مختلط و اکابر تحصیل می‌کردند (ساکما، ش 91-888-297). دبستان دوشیزگان به دبستان مختلط دانش تغییر نام پیدا کرد (ساکما، ش 91-899-297-91). تعداد دخترانی که به آموزش می‌پرداختند 616 نفر بود که در مقایسه با سال‌های گذشته رشد قابل‌توجهی داشته است. تعداد معلمان زن 31 نفر بود که به صورت قراردادی کار می‌کردند. بیشتر این شاگردان با تعداد 488 نفر ساکن شهر سنندج بودند. سپس، شهرهای سقز با دارا بودن 68، بانه با 27 و مریوان با 12 دانش‌آموز در رتبه بعدی قرار داشتند. تعداد شاگردان پسر 4246 نفر که هفت‌برابر تعداد دختران می‌شد (ساکما، ش 91-888-297).

آمارهای سال تحصیلی 1320-1321 ش. / 1941-1942 م. نشان از کاهش چشمگیر دانش‌آموزان دارد. تعداد محصلان دختر در حوزه شهرستان سنندج 286 و پسران 1585 نفر بود (ساکما، ش 91-828-297). این کاهش تحت تأثیر وقوع جنگ جهانی اول قرار داشت. در پی آغاز جنگ، مردم از فرستادن فرزندان خود به مدرسه امتناع می‌کردند. لذا، با هدف بررسی و ارزیابی دقیق‌تر و واقعی‌تر وضعیت آموزشی دختران از آمارهای سال 1318-1319 استفاده شده است. در این سال تعداد دانش‌آموزان دختر در مدارس دولتی در مقطع دبستان 679 نفر و پسران 2406 نفر بود. شمار محصلان دختر در دوره دبیرستان 47 نفر و پسران نیز 192 نفر بود. در مدارس غیردولتی نیز 190 دانش‌آموز پسر تحصیل می‌کردند. در مجموع، تعداد 726 دانش‌آموز دختر و 2788 دانش‌آموز پسر مشغول به تحصیل بودند. در سطح دانشسرای مقدماتی نیز هیچ شاگردی تحصیل نمی‌کرد (راشدی، 1379: ضمايم). برپایه این داده‌ها، شمار محصلان پسر چهاربرابر دختران بوده است. بنابراین، می‌توان دریافت که فاصله بین تعداد دانش‌آموزان به‌تدریج در حال کاهش بوده است.



نمودار شماره 2: تعداد دانش‌آموزان دختر و پسر طی سال‌های تحصیلی 1305 تا 1319 در کردستان (نفر)

داده‌های نمودار شماره 2 به‌وضوح تعداد بسیار اندک دانش‌آموزان دختر در کردستان را نشان می‌دهد. از سال 1305 که نخستین مدرسه دخترانه دولتی در منطقه تأسیس شد شمار محصلان رشد بسیار کندی داشته است. اما، از سال 1316 به بعد تعداد آنها رشد قابل‌توجهی را تجربه کرده است. این نمودار شکاف عمیق بین تعداد دانش‌آموزان دختر و پسر را نیز نمایان می‌سازد. چنان‌که، شمار پسران چندین‌برابر دختران بوده است. به‌علاوه، می‌توان ادعا کرد که در سال تحصیلی 1316-1317 دگرگونی مهمی در تعداد مدارس و محصلان منطقه به وجود آمده است. به‌طوری‌که، در این سال به‌شدت بر شمار دختران و پسران نسبت به سال‌های قبل افزوده شده است.

عوامل مؤثر در عدم گسترش مدارس دخترانه در کردستان

تعداد دانش‌آموزان ابتدایی و دبیرستانی دختر در کردستان در سال 1318-1319 ش. به ترتیب 679 و 47 نفر بود. دانش‌آموزان دبستانی دختر در سطح کشور در سال 1320 ش. / 1941 م. برابر با 81977 نفر و تعداد دختران دبیرستانی نیز در سال 1317 ش. / 1938 م. 5445 نفر بود (سنگتراشان و دیگران، 1398: 119). با توجه به این داده‌ها، تعداد مدارس دخترانه کردستان در پایان حکومت پهلوی اول بسیار اندک بوده است. اگرچه بر شمار دانش‌آموزان دختر به‌تدریج افزوده شد، اما این رقم در مقایسه با تعداد دانش‌آموزان دختر در سطح کشور بسیار پایین بود. این مسئله تحت تأثیر عوامل و دلایل مختلفی قرار داشت.

یکی از این عوامل فقدان همکاری مأمورین محلی با رئیس معارف کردستان بود. سمیعی، حکمران منطقه، با یاری رئیس معارف مطالعات زیادی با هدف ایجاد کلاس‌های اکابر زنان و مردان، تأسیس کانون بانوان و کلوب ورزشی انجام داد. اما، مأموران محلی دولتی با آنها همکاری ننموده و موانعی را بر سر راه آنها قرار دادند. کارکنان اداره اوقاف با ایجاد کارشکنی در مسیر انجام وظایف رئیس اداره معارف اقدامات آنها را تحت‌الشعاع قرار دادند (ساکما، ش 24080-297).

ساکنان شهر سنندج دارای رویکرد دوگانه‌ای نسبت استقرار مدرسه بودند. زمانی که مدرسه دخترانه مستوره اردلان (شاهدخت) در سنندج توسط اردلانی تأسیس شد، عده‌ای فعالیت این مدرسه را مغایر با دین قلمداد نموده و مؤسس آن را ارمنی و لامذهب خطاب کردند (ساکما، ش 20625-297). این درحالی‌است که برخی دیگر از اهالی پس از رفتن او از این مدرسه در سال 1307، از فرستادن دختران خود به مدرسه امتناع کردند و خواستار بازگشت او شدند. حکمران کردستان اردلانی را فرد مورداعتماد و اطمینان مردم می‌خواند و از وزارت داخله تقاضا کرد که در این خصوص اقدامی صورت دهد (ساکما، ش 32787-297).

این جهتگیری در نواحی روستایی نیز دیده می‌شود. بخشی از جمعیت سریش‌آباد از توابع قروه مخالف تأسیس مدرسه در این روستا بودند. اما عده‌ای دیگر از آن استقبال کردند. کوهستانی بودن منطقه و فقدان راه‌های ارتباطی مناسب با سایر نقاط کشور موجب شد که اندیشه‌های نوین و تجددخواهی کمتر در اذهان ساکنان آن رسوخ کند. اهالی دهستان هویاتو دارای روحیه عشیره‌ای بودند و میزان ارتباط آنها با نواحی شهری بسیار اندک بود. این مسئله مانع مهمی در گرایش آنها به سمت ایجاد نهادهای جدید و دگرگونی در این ناحیه داشت. (ساکما، ش 26075-297). فرماندهی امنیه سقز و بانه طی گزارشی اعلام نمود که اهالی روستای نوبهار و روستاهای اطراف آن از اعزام فرزندان خود به مدرسه خودداری می‌ورزند. بنابراین، از امنیه سقز تقاضا نمود که آنها را به اعزام فرزندان خود وادار کنند (ساکما، ش 705-91-297).

مخالفت روستاییان با فعالیت مدارس در روستا موجب پایین بودن تعداد مدارس در کردستان، به‌طور عام، و کاهش تعداد دانش‌آموزان دختر، به‌طور خاص، شد. عدم استقبال مردم سقز از تأسیس مدرسه دخترانه در این ناحیه موجب شد که بودجه اختصاص‌یافته به آن به تشکیل مدرسه ابتدایی پسرانه در اورامان تخصیص یابد (دهقانی، کریمی و رسولی، سال 1396: 157). مردم روستای شاهینی از توابع کامیاران در سال 1320 ش. / 1941 م. از فرستادن فرزندان خود به مدرسه خودداری کرده و خواستار برچیده شدن آن شدند. آنها پس از وارد نمودن صدمات بسیار به مدیر مدرسه، او را از روستای خود بیرون و مدرسه را تعطیل کردند. استقرار پادگان نظامی در این روستا نیز نتوانست مانع این اقدام گردد. نماینده مالک روستا یکی از مخالفان اصلی تأسیس مدرسه به شمار می‌رفت. او مدیر مدرسه را نشان‌گر نفوذ دولت در روستا می‌دانست، به‌همین دلیل، با استقرار آن مخالفت به عمل آورد (ساکما، ش 1336-91-297). مالک روستای نوبهار از توابع سقز نیز مخالف فعالیت مدرسه در آن بود (ساکما، ش 705-91-297). با تکیه بر داده‌های این اسناد، در پایان سلطنت رضاشاه، مردم روستاها حاضر به پذیرش نهادهای نوین نبوده و مانع ایجاد آنها می‌شدند.

این مسئله در روستاهای قروه، سریش‌آباد و دزج نیز در سال 1317 ش./ 1938 م. قابل‌مشاهده است. اولیاء دانش‌آموزان این سه روستا مانع رفتن فرزندان خود به مدرسه شدند. فرماندار سنج‌طی مکاتبه‌ای به بخشدار قروه در خصوص این موضوع هشدار داد (ساکما، ش 1345-297-91). این مسئله در مریوان نیز به یکی از مشکلات کارکنان مدارس تبدیل شده بود. آنها قادر به گرد آوردن دانش‌آموزان نمی‌شدند و فقط چند نفر از اطفال شهر که در این منطقه سکونت داشتند به تحصیل مشغول بودند (ساکما، ش 1353-297-91). کفیل دبستان هوباتو نیز می‌گوید که حس معارف‌خواهی در میان ساکنان این ناحیه وجود ندارد و مردم از فرستادن فرزندان خود به مدرسه امتناع می‌ورزند. با وجود تلاش‌های مسئولان مدرسه، فقط 17 نفر در دبستان 4 کلاسه حضور پیدا کردند. در واقع، قوانین وضع‌شده موردپذیرش مردم واقع نشده و قابل‌اجرا نیست (ساکما، ش 1353-297-91).

مختلط بودن مدارس در روستاها نیز از عوامل دیگری بود که مانع حضور دختران در کلاس‌های درس می‌شد. مدیر مدرسه دیواندره اظهار می‌کند که به علت تحصیل دختران و پسران در کنار یکدیگر، خانواده‌های آنها از فرستادن دختران خود امتناع می‌کنند. لذا، او با هدف ترغیب مردم جهت فرستادن آنها به مدرسه، کلاس جداگانه‌ای برای دختران با سرپرستی همسر خود تشکیل داد (ساکما، ش 1348-91-297). پس از سقوط رضاشاه، عده‌ای از روحانیان، اشراف و بازاریان سنج‌طی نامه‌ای، از فرماندار این شهرستان درخواست کردند که مدارس مختلط را به دلیل تضاد آنها با موازین اسلامی تعطیل کنند (دهقانی، کریمی و رسولی، سال 1396: 157).

فقدان بودجه یکی از عوامل توسعه نیافتن مدارس بود. چنان‌که، در برخی از موارد منجر به تعطیلی آنها نیز می‌گشت. در سال 1316 ش./ 1937 م. در روستای رستم‌ان منطقه خورخوره یک مدرسه به علت نبود بودجه لازم و حمایت از آن تعطیل شد. فرماندار کردستان با توجه به فقدان بودجه خواستار تأمین بخشی از منابع مالی موردنیاز تأسیس مدارس توسط ساکنان محلی شد. او در صدد بود که در منطقه سرشیو، از توابع سقز، به علت اهمیت استراتژیک آن مدرسه‌ای ایجاد کند، اما به علت نبود بودجه لازم از ساکنان آن تقاضای یاری کرد (ساکما، ش 634-91-280). برخی از مدارس نیز که تأسیس شده بودند از امکانات لازم برای تدریس و آموزش برخوردار نبودند. مدرسه روستای دیواندره از تجهیزاتی مانند میز، نیمکت، کتاب، قلم و کاغذ بی‌بهره بود. اولیاء دانش‌آموزان نیز به دلیل عدم تمایل به فرستادن فرزندان خود به مدرسه حاضر به خریداری لوازم مدرسه برای آنها نمی‌شدند. بنابراین، مدارس باید این لوازم را برای آنها تهیه می‌کردند. اما، با وجود مشکل کمبود بودجه توانایی فراهم نمودن آنها را نداشتند. در نتیجه، این مسئله به یکی از علل فقدان توسعه مدارس و آموزش در روستاها تبدیل شد (ساکما، ش 1348-297-91). مشکل کمبود بودجه جهت گسترش مدارس در مریوان نیز وجود داشت. لذا، از فرماندهی لشکر این منطقه درخواست شد که در ترفیع این مسئله اقدام کند (ساکما، ش 1353-91-297). علاوه بر وجود مشکلات مالی، نیروی انسانی لازم نیز برای اداره مدارس وجود نداشت.

ساخولوی دزلی از فرماندهی گردان سرحدی تقاضای اعزام مدیر مدرسه کرد. مدیر مدرسه این روستا پس از گذشت یک‌ماه و اندی از آغاز سال تحصیلی 1315 ش./ 1936 م. در مدرسه حضور نیافته یا اینکه از طرف اداره معارف کردستان تعیین نشده بود. این موضوع موجب دل‌سردی مردم نسبت به فرستادن فرزندان خود به مدرسه شد. در میان دانش‌آموزان این روستا تعدادی دختر نیز حضور داشتند (ساکما، ش 895-297-91).

نتیجه‌گیری:

آنچه که در مجموع می‌توان گفت این است که با وجود کوشش‌هایی که حکومت رضاشاه در راستای توسعه مدارس در کردستان برداشت، ترتیبات نهادی اجتماعی حاکم بر جامعه مانع از حضور دختران در مراکز آموزشی می‌شد. به این معنا که قواعد رفتاری مسلط بر اهالی منطقه، در این مقطع زمانی، گسترش مدارس و آموزش زنان را بر نمی‌تابید. در نتیجه، در پایان حکومت پهلوی اول تنها دو مدرسه مخصوص به دختران در سراسر منطقه وجود داشت و فاصله بین شمار دانش‌آموزان پسر و دختر قابل‌توجه بود.

منابع و مأخذ:**اسناد:**

- سازمان اسناد ملی ایران. سال 1301. ش بازیابی 28973-297.
- سال 1304-1305. ش بازیابی 9654-297.
- سال 1305. ش بازیابی 20625-297.
- سال 1307. ش بازیابی 11644-297.
- سال 1307. ش بازیابی 10588-297.
- سال 1307. ش بازیابی 23062-297.
- سال 1307. ش بازیابی 33961-297.
- سال 1307. ش بازیابی 32787-297.
- سال 1308. ش بازیابی 23089-297.
- سال 1308. ش بازیابی 8112-297.
- سال 1308. ش بازیابی 10251-297.
- سال 1309. ش بازیابی 26075-297.
- سال 1310. ش بازیابی 11006-297.
- سال 1312. ش بازیابی 33388-297.
- سال 1313. ش بازیابی 28591-297.
- سال 1314. ش بازیابی 7763-290.
- سال 1314. ش بازیابی 33977-297.
- سال 1314. ش بازیابی 32792-297.
- سال 1313-1315. ش بازیابی 895-297-91.
- سال 1315. ش بازیابی 1348-297-91.
- سال 1315. ش بازیابی 24080-297.
- سال 1316. ش بازیابی 899-297-91.
- سال 1316-1317. ش بازیابی 705-297-91.
- سال 1316. ش بازیابی 634-280-91.
- سال 1317. ش بازیابی 888-297-91.
- سال 1317. ش بازیابی 828-297-91.
- سال 1317. ش بازیابی 1345-297-91.
- سال 1317. ش بازیابی 1353-297-91.
- سال 1320. ش بازیابی 1336-297-91.

کتاب:

- آبراهامیان، پرواند. (1391). تاریخ ایران مدرن. ترجمه محمدابراهیم فتاحی و لیلایی. چ 8. تهران: نشرنی.
- انصافیور، غلامرضا. (1346). قدرت و مقام زن در ادوار تاریخ. تهران: کانون کتاب، 1346.
- حیرت سجادی، عبدالحمید. (1380). پیشینه آموزش و پرورش کردستان. تهران: عابد.
- خلیلی‌خو، محمدرضا. (1373). توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه. تهران: جهاد دانشگاهی (دانشگاه شهید بهشتی).
- قاسمی‌پویا، اقبال. (1377). مدارس جدید در دوره قاجاریه: بنیان و پیشروان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سانساریان، الیز. (1384). جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب از 1280 تا انقلاب 57. ترجمه نوشین احمدی خراسانی. تهران: اختران.
- کرباسی‌زاده، مرضیه. (1384). سیر تحولات اجتماعی زنان در یکصدسال اخیر. تهران: اکنون.
- متمم قانون اساسی مشروطه.
- مردوخ کردستانی، شیخ‌محمد. (بی‌تا). تاریخ کرد و کردستان؛ در بیان وضع عمومی سده 4. ج 4.

میرهادی، منیر السادات. (1393). تأثیر مدارس دخترانه در توسعه اجتماعی زنان در ایران. تهران: کویر، 1393. --- (بی‌تا). سالنامه معارف کردستان؛ سال تحصیلی 1315-1316. تهران: چاپخانه اقبال.

Childress, Diana. (2011). Equal Right is Our Minimum Demand; The Women's Right Movement in Iran. Minneapolis: Twenty-First Century Books.

مقالات:

بهشتی‌سرشت، محسن و جوانمردی، فوزیه. (بهار و تابستان 1394). «وضعیت مدارس نوین در کردستان ایران در سال‌های 1299 تا 1320 ش». تاریخ علم. دوره 13. ش 1.

پورمحمدی املشی، مصطفی و دیگران. (پاییز 1394). «تغییرات فرهنگی رضاشاه و آتاتورک». فصلنامه روابط خارجی. س 16. ش 64.

دهقانی، رضا، کریمی، علیرضا و رسولی حسین. (زمستان 1396). «واکنش اهالی کردستان به گسترش آموزش نوین در دوره رضاشاه». تاریخ‌های محلی ایران. س 6. ش 1.

رحیمی، امیرعلی و دیگران. (بهار 1395). «بررسی تحولات آموزشی و فرهنگی مازندران در دوره پهلوی اول». پژوهشنامه تاریخ. س 11. ش 42.

زارعی مهرورز، عباس. (بهار و تابستان 1390). «بررسی جایگاه سیاسی و اجتماعی زنان ایالت کردستان در آغاز سده 14 ق/ 20 م». مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی. س 1. ش 1.

سادات بیدگلی، سید محمود. (تابستان 1388). «تحولات آموزشی فرهنگ کاشان در دوره پهلوی اول». مجله پیام بهارستان. س 1. ش 4.

سنگ‌تراشان، علی‌رضا و دیگران. (زمستان 1398). «کارکرد آموزشی- فرهنگی دارالمعلمیات و دانشسراهای دخترانه در دوره پهلوی اول». گنجینه اسناد. س 29. ش پیاپی 116.

طاهر احمدی، محمود. (پاییز و زمستان 1377). «سیر تحول برنامه تحصیلی از مشروطه تا پایان رضاشاه». گنجینه اسناد. ش 31، 32.

عسگری، ساره. (بی‌تا) «آموزش دختران و دو رویکرد متضاد در تغییرات اجتماعی دوره پهلوی اول». بی‌جا. بی‌نا.

علم، محمدرضا و پوربختیاری، فاطمه. (تابستان 1394). «سهم حزب تجدد در سلطنت رضاشاه». رهیافت تاریخی. ش 11.

متی، رودی. (1382). «آموزش و پرورش در دوره رضاشاه». شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در دوره رضاشاه. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. چ 2. تهران: جامی.

نعمتی، نورالدین و ادوای، مظهر. (پاییز و زمستان 1392). «مدارس کلیمیان و نظام آموزش ملی در ایران». پژوهشهای علوم تاریخی. سال 5. ش 2.

یزدانی، مرضیه. (پاییز و زمستان 1377). «تاریخچه معارف در ایران بازخوانی گزارش از رویکرد ایران به گسترش فرهنگ و ایجاد مؤسسات آموزشی». گنجینه اسناد. ش 31، 32.